

بررسی الگوی مصرف شاغلین غیررسمی در ایران: بازبینی قانون انگل

علی اصغر سالم^۱ شیما نمازی زواره^{۲*} فرشاد مومنی^۳

^۱ دانشیار، گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

ایمیل: Salem207@yahoo.com. شناسه ارکید: <http://orcid.org/0000-0003-1360-923X>

^۲ کارشناسی ارشد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

ایمیل: Namazi351@yahoo.com. شناسه ارکید: <http://orcid.org/0009-0004-2084-4785>

^۳ استاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

ایمیل: f.momeni@atu.ac.ir. شناسه ارکید: <http://orcid.org/0000-0002-9772-3971>

چکیده

درک رابطه بین وضعیت اشتغال و الگوی مصرف خانوار برای سیاست‌گذاران و محققانی که هدفشان رسیدگی به نابرابری درآمد و ترویج رشد اقتصادی فراگیر است، حیاتی می‌باشد. در ایران، جایی که بخش قابل توجهی از جمعیت با اشتغال غیررسمی مواجه اند، بررسی اینکه چگونه موقعیت‌های شغلی مختلف بر مصرف خانوار تأثیر می‌گذارد، می‌تواند بینشی در مورد پویایی رفاه خانوار و توسعه اقتصادی ارائه دهد. در نتیجه هدف مطالعه حاضر بررسی الگوی مصرف شاغلین غیررسمی خانوارهای شهری و روستایی در ایران و سپس مقایسه آن با الگوی مصرف شاغلین رسمی می‌باشد. در این پژوهش از فرم تبعی سیستم معادلات ورکینگ- لاسر استفاده گردید و مدل با استفاده از روش رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR) و به کارگیری ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۴۰۱ تخمین زده شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در گروه شاغلین غیررسمی شهری اقلام خوراک، مسکن، ارتباطات و سایر مخارج کالای ضروری، نوشیدنی‌ها و دخانیات کالای پست و اقلام پوشاک، لوازم خانگی، بهداشت و درمان، حمل و نقل، فرهنگی و تفریحی، تحصیلی، هتل و رستوران و اقلام مذهبی، خسارت و دیه کالای لوکس به شمار می‌آیند. در سایر گروه‌ها نیز اقلام خوراک، نوشیدنی‌ها و دخانیات، مسکن، ارتباطات و سایر مخارج کالای ضروری می‌باشند. در حالی که اقلام پوشاک، لوازم خانگی، بهداشت و درمان، حمل و نقل، فرهنگی و تفریحی، تحصیلی، هتل و رستوران و اقلام مذهبی، خسارت و دیه کالای لوکس به شمار می‌آیند. بنابراین قانون انگل در میان شاغلین غیررسمی و رسمی خانوارهای شهری و روستایی معتبر است.

کلید واژه‌ها: شاغلین غیررسمی، الگوی مصرف، قانون انگل

طبقه‌بندی JEL: P46, E21, J81

* نویسنده مسئول: شیما نمازی زواره ایمیل: Namazi351@yahoo.com

مقدمه

اگرچه از نظر تاریخی انتظار می‌رود اشتغال غیررسمی با صنعتی شدن و مدرنیزاسیون اضمحلال یابد، مطالعات تجربی در دهه گذشته نشان می‌دهد که همچنان در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود داشته و پیامدهای منفی را برای دولت‌ها، کسب و کارها، کارگران و مصرف‌کنندگان به همراه دارد (هورودنیک^۱، ۲۰۲۲). از جمله این پیامدهای منفی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دولت‌ها درآمد مالیاتی خود را از دست می‌دهند (باجادا و اشنايدر^۲، ۲۰۰۵) و بر شرایط کاری شاغلین غیررسمی هیچ کنترلی نداشته یا کنترل کمی دارند (سازمان جهانی کار^۳، ۲۰۱۵).
- کسب و کارهای قانونی با رقابت ناعادلانه از سوی ارائه دهندگان کالا و خدمات در اقتصاد غیررسمی روبرو می‌باشند (لنال اوردونز^۴، ۲۰۱۴).
- مصرف‌کنندگان هنگامی که خدمات یا کالاهایی که از اقتصاد غیررسمی خریداری می‌شوند مقررات ایمنی و بهداشت را رعایت نمی‌کنند، از مراجع قانونی کمی برخوردارند (ویلیامز و مارتینز پرز^۵، ۲۰۱۴) و
- وجه غالب شاغلین غیررسمی داشتن درآمد اندک است (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۶، ۲۰۲۴).

در خصوص سطح درآمد شاغلین غیررسمی، شواهد به دست آمده از شاخص‌های کلیدی مربوط به اشتغال غیررسمی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بر اساس پایگاه داده افراد و خانوار آن‌ها یک ویژگی شناخته شده اشتغال غیررسمی را تایید می‌کند به این ترتیب که در اکثر کشورها از ساختاری دو لایه تشکیل شده است (فیلدز، ۲۰۲۳). شاغلین در لایه بالایی بهره‌وری بیشتری داشته (احتمالاً به دلیل مهارت‌های سطح بالاتر نسبت به شاغلین در لایه پایینی) و از درآمد بالاتری نسبت به افراد در لایه پایین برخوردار می‌باشند. در حالی که شاغلین در لایه پایینی در فعالیت‌های با بهره‌وری کم (احتمالاً به دلیل کمبود مهارت و کمبود فرصت در جاهای دیگر) مشغول بوده و درآمد کم‌تری نیز دارند. قابل ذکر است که در میان شاغلین غیررسمی، درآمد متوسط نسبتاً کم است. در اکثریت قریب به اتفاق کشورها، لایه پایینی از نظر اندازه بزرگتر از لایه بالایی است و تقریباً ۵۴ درصد از شاغلین غیررسمی به طور متوسط درآمدی کمتر از ۵۰ درصد سطح متوسط درآمد دارند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۲۴). همچنین شواهد نشان می‌دهد متوسط درآمد ماهانه فردی شاغلین غیررسمی در مشاغل مشابه نیز به طور قابل توجهی کمتر از متوسط درآمد ماهانه فردی شاغلین رسمی است. دلایل زیادی برای این تفاوت وجود دارد. یکی از آن‌ها ممکن است تعداد نابرابر ساعاتی باشد که شاغلین رسمی و غیررسمی به فعالیت‌های تولیدی اختصاص می‌دهند. سایر عواملی که این تفاوت درآمدی را توضیح می‌دهند، سطح پایین‌تر تحصیلات در میان شاغلین غیررسمی، سطح پایین‌تر بهره‌وری شاغلین غیررسمی و حضور بیش

¹ Horodnic

² Bajada and Schneider

³ International Labour Organization

⁴ Leal Ordonez

⁵ Williams and Martinez-Perez

⁶ Organisation for Economic Co-operation and Development

از حد شاغلین غیررسمی در مشاغل و بخش‌هایی که عموماً دستمزدهای کمتری پرداخت می‌کنند، می‌باشد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۹).

حال این سطح درآمد، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر انتخاب‌های مصرف‌کننده و کل اقتصاد داشته باشد در واقع انتخاب‌های مصرف‌کننده تحت تأثیر عوامل متعددی است که یکی از قوی‌ترین آن‌ها تغییر در درآمد است. تغییر در انتخاب مصرف‌کننده به دلیل تغییرات در درآمد وی توسط منحنی‌های انگل روایت می‌شود (لیدز^۷، ۲۰۱۳). قانون انگل، بیان می‌کند که تخصیص درآمد افراد به گروه‌های مختلف کالاها و خدمات مصرفی به شدت تحت تأثیر میزان درآمد موجود آن‌ها است. برای مثال، در مقایسه با افراد ثروتمند، افراد فقیر سهم بیشتری از درآمد قابل تصرف خود را صرف غذا می‌کنند. برعکس، سهم مخارج برای مقوله‌هایی مانند تفریح و فرهنگ با افزایش درآمد افزایش می‌یابد (کاس^۸، ۲۰۱۳) و بر این اساس، کشش‌های درآمدی برای این دسته‌ها معمولاً بالاتر از واحد است و این کالاها جزء کالاهای لوکس طبقه‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، با افزایش درآمد، کالای لوکس می‌تواند به یک ضرورت تبدیل شود. از این رو، کشش‌های درآمدی ثابت نیستند و زمانی که درآمد تغییر می‌کند، آن‌ها نیز می‌توانند تغییر یابند.

با توجه به این که در حال حاضر، حدود دو میلیارد نفر یعنی بیش از ۶۰ درصد نیروی کار جهانی شاغل غیررسمی می‌باشند (سازمان جهانی کار، ۲۰۱۸) که نشان‌دهنده حوزه اصلی تولید و مصرف در سطح جهان و اساس اهمیت درک این حوزه است و سهم بیشتری از شاغلین غیررسمی نیز کم درآمد بوده و الگوهای مصرف و ترجیحات خود را با واقعیت‌های اقتصادی و سطح درآمد خود هماهنگ می‌کنند و همچنین با توجه به این که درک پویایی الگوهای مصرف خانوارها در رابطه با وضعیت اشتغال برای طراحی سیاست‌های مؤثری که از توسعه پایدار حمایت می‌کند و رفاه خانوارها را در کشور بهبود می‌بخشد حیاتی است، این مطالعه سعی دارد الگوی مصرف را در میان شاغلین غیررسمی و رسمی خانوارهای شهری و روستایی ایران توسط منحنی انگل در سال ۱۴۰۱ بررسی نماید.

مطالعه حاضر در قالب شش بخش ارائه می‌شود، در بخش دوم پس از مقدمه، ادبیات نظری ارائه می‌گردد، در بخش سوم، مطالعات پیشین در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد، در بخش چهارم روش برآورد مدل، الگوی اقتصادسنجی و داده‌ها معرفی خواهند شد. در بخش پنجم نتایج حاصل از تخمین تجربی منحنی انگل با استفاده از روش سیستمی و ریکینگ-لسر تجزیه و تحلیل می‌شود و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری

چهار نظریه اصلی را می‌توان در مورد علل اشتغال غیررسمی در ادبیات شناسایی کرد: نظریه مدرنیزاسیون، نظریه اقتصاد سیاسی، نظریه نئولیبرال و نظریه پست مدرن. از دل دو نظریه مدرنیزاسیون و اقتصاد سیاسی یک نظریه کلی تر تحت عنوان نظریه حاشیه‌نشینی و همچنین از دل دو نظریه نئولیبرال و پست مدرن، نظریه کلی‌تر تقویت اقتباس می‌شود. طبق نظریه حاشیه‌نشینی، جمعیت‌های حاشیه‌نشین که از گروه‌های کم‌درآمد و بیکار تشکیل می‌شوند بازیگران اصلی حوزه‌ی اشتغال غیررسمی هستند و از

⁷ Lades

⁸ Kaus

آن سود می‌برند (احمد^۹، ۲۰۰۸) و طبق نظریه تقویت، حاشیه‌نشینان، مانند بیکاران و جمعیت‌های کم درآمد، نسبت به افراد شاغل و با درآمد بالاتر، از اشتغال غیررسمی بهره کمتری می‌برند و بنابراین اشتغال غیررسمی به جای آن که نابرابری‌های تولید شده توسط اشتغال رسمی را کاهش دهد آن‌ها را تقویت می‌کند.

چهار نظریه اصلی، ماهیت اشتغال غیررسمی را از طریق رویکردهای مختلف مفهوم سازی می‌کنند و توضیحات رقابتی را برای گسترش آن‌ها ارائه می‌دهند. در ادامه به اختصار به توضیح آن‌ها پرداخته خواهد شد:

نظریه مدرنیزاسیون (دوگانه‌گرایی)

در طول قرن بیستم جریان اصلی بر این باور بود که با مدرن شدن اقتصادها، اقتصاد رسمی بیش از پیش مسلط خواهد شد و اشتغال غیررسمی که در حکم ته‌مانده نظام‌های انباشت پیشین است به تحلیل خواهد رفت (لوئیس^{۱۰}، ۱۹۵۵). بنابراین هر نوع تداوم اشتغال غیررسمی در حکم نشانه‌ای از سنت‌گرایی، توسعه نیافتگی و عقب ماندگی است (پاکارد^{۱۱}، ۲۰۰۷). بر اساس این چشم‌انداز همان‌گونه که لیون تاکید می‌کند کارگران غیررسمی در گروه نیروی کار مازاد قرار می‌گیرند و طبق نظر بروملی گروهی بی‌اهمیت تلقی می‌شوند و سرنوشت مقدرشان این است که محو شوند (ویلیامز^{۱۲}، ۲۰۱۴).

این که اشتغال غیررسمی در حکم اثر صرف یک گذشته در حال انقراض یا امری گذرا یا به عبارتی تلاش سنتی پیشا مدرنی دانسته شود که در حاشیه‌های اقتصاد مدرن وجود دارد، تلویحا به معنای وجود فقط یک مسیر توسعه اقتصادی است، مسیری که در آن راه توسعه خطی و حتی طبیعی و اجتناب ناپذیر به سوی رسمی شدن وجود دارد (لاتوش^{۱۳}، ۱۹۹۳). ولی امروزه این موضوع تایید شده که در بسیاری از کشورها اشتغال غیررسمی نسبت به اشتغال رسمی فراگیرتر، گسترده‌تر و حتی رو به افزایش است. در واقع برآورد شده است که اکثریت نیروی کار جهانی در یک چنین اشتغالی شرکت می‌کنند (جوتینگ و لاگلزیا^{۱۴}، ۲۰۰۹). گستردگی روز افزون اشتغال غیررسمی به توضیحات جدیدی درباره نقش آن در اقتصادهای معاصر انجامیده است (ویلیامز، ۲۰۱۴).

در مجموع طبق چشم‌انداز مدرنیزاسیون اشتغال غیررسمی در حکم نتیجه مستقیم ترتیبات بنگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود که هدفشان حداکثرسازی انعطاف پذیری تولید، سود و کاهش هزینه هست و از طریق نقض قانون کار یا انعقاد قرارداد پیمانکاری با بنگاه‌هایی که کارگران غیررسمی را به کار می‌گیرند یا خود اشتغالی کاذب ایجاد می‌کنند به این هدف دست می‌یابند.

نظریه اقتصاد سیاسی (ساختار گرایی)

اقتصاد سیاسی اشتغال غیررسمی را زائده نظام تولیدی قبلی نمی‌داند بلکه آن را جزء جدایی ناپذیر روش‌های انباشت سرمایه‌داری متأخر فعلی در نظر می‌گیرد (ویلیامز، ۲۰۱۴). طبق نظر فرناندز کلی، اشتغال غیررسمی نشانه مراحل اولیه توسعه اقتصادی نیست

⁹ Ahmad

¹⁰ Lewis

¹¹ Packard

¹² Williams

¹³ Latouche

¹⁴ Jutting and Laiglesia

در عوض جزء لاینفک فرایندهای مدرنیزاسیون است (کلی^{۱۵}، ۲۰۰۶). اگر از این چشم انداز اقتصاد سیاسی به موضوع نگاه شود حوزه اشتغال غیررسمی نه تنها یک رکن کلیدی ترتیبات جدید کوچک سازی، پیمانکاری و برون‌سپاری است که تحت سرمایه‌داری جهانی مقررات‌زدایی شده پدیدار شده بلکه سببی است که در آن نیروی کار مازاد قرار می‌گیرد تا در غیاب وسایل جایگزین برای ادامه حیات استفاده شود (کاستلز و پورتس^{۱۶}، ۱۹۸۹). میگر تأکید می‌کند ترتیبات اشتغال غیررسمی از طریق فرایندهای پیمانکاری و کاهش دخالت دولت در رفاه و اشتغال عمومی در دل اقتصادهای معاصر قرار گرفته است (میگر^{۱۷}، ۲۰۱۰). باتاچاریا اشتغال غیررسمی شهری را به دو زیرگروه تقسیم می‌کند که عبارتند از گروه مطلقاً حاشیه‌نشین یا گروهی که دغدغه‌های حیات دارند و آن‌ها را بقاگرا می‌نامد و گروه اشتغال غیررسمی مولد. او بین این دو گروه فارغ از این که آسیب پذیر باشند یا غیره تمایز قائل می‌شود. گروه اشتغال غیررسمی مولد به طور اجتناب‌ناپذیری با فرایند انباشت پویایی‌های سرمایه‌داری مرتبط است (ویلیامز، ۲۰۱۴). بخش حاشیه‌نشین نیز از طریق تامین محصولات که به وسیله مشتریان می‌فروشد و در برخی موارد زدوبندهایی که با مقامات رسمی برای تامین مجوز غیررسمی جهت فعالیت انجام می‌دهد با بخش رسمی اقتصاد سرمایه‌داری ارتباط دارد.

طرفداران چشم انداز اقتصاد سیاسی اشتغال غیررسمی را یک نتیجه فرعی مستقیم از اشتغال کامل یا نظام دولت رفاه رسمی فراگیر که ویژگی دوران فوردیستی و سوسیالیستی است می‌دانند. در دوران نوین مقررات‌زدایی، آزاد سازی و خصوصی‌سازی پسا فوردیستی و پسا سوسیالیستی آن بخش از نیروی کار که استفاده کمی برای سرمایه داری دارد دیگر در حکم ارتش ذخیره کار حمایت نمی‌شود و دولت رفاه رسمی به لحاظ اجتماعی آن را باز تولید نمی‌کند در عوض این بخش از نیروی کار به اقتصاد غیررسمی انتقال می‌یابد و بر حسب ضرورت مشارکت به چنین کاری سوق داده می‌شود (کاستلز و پورتس، ۱۹۸۹). به طور خلاصه افرادی که در یک اقتصاد جهانی مبتنی بر استثمار در مشاغل غیررسمی کار می‌کنند تهدیدستان بی‌اراده‌ای هستند که کار های بی‌ثبات تر و با دستمزد بسیار پایین انجام می‌دهند (ویلیامز، ۲۰۱۴). همان‌طور که دیویس می‌گوید چنین اشکال ابتدایی استثمار به وسیله جهانی‌سازی پسا مدرن حیاتی تازه یافته است (دیویس^{۱۸}، ۲۰۰۶).

در مجموع می‌توان گفت طبق نظریه مدرانیزاسیون اشتغال غیررسمی در واقع زائده‌ای هست که از شیوه تولید قبلی به جا مانده و در مناطق حاشیه‌ای که هنوز مدرنیزه نشده‌اند و توسعه اقتصادی نیافته‌اند حاکم است اما طبق نظریه اقتصاد سیاسی اشتغال غیررسمی محصول فرعی یک اقتصاد جهانی آزاد و مقررات‌زدایی شده است و مستقیماً از همان اقتصاد ناشی می‌شود (کاستلز و پورتس، ۱۹۸۹). کاهش حمایت اجتماعی و دخالت اقتصادی که ملازم مقررات‌زدایی است به مثابه پدیده‌ای در نظر گرفته می‌شود که نتیجه آن این است که افرادی که از اشتغال رسمی و حمایت اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند به اجبار به اشتغال غیررسمی به مثابه وسیله‌ای برای ادامه حیات سوق داده می‌شوند (سازمان جهانی کار، ۲۰۱۴). بنابراین از نظر اقتصاد سیاسی اشتغال غیررسمی در حکم تلاش مبتنی بر انگیزه نیازمندی در نظر گرفته می‌شود که جمعیت‌های حاشیه‌نشین رانده شده از بازار اشتغال رسمی و بی‌نصیب از نظام‌های حمایت اجتماعی آن را انجام می‌دهند (ویلیامز و راند، ۲۰۱۰).

¹⁵ Kelly

¹⁶ Castells and Portes

¹⁷ Meagher

¹⁸ Davis

نظریه نئولیبرال (قانون گرایی)

طی چند دهه گذشته مطالعات نشان داده‌اند که بخشی از علت وجود اشتغال غیررسمی، فقدان انتخاب نیست بلکه بیشتر موضوع انتخاب است برای این که استقلال بیشتر، انعطاف پذیری بیشتر و آزادی بیشتر در این فضا پیدا می‌شود. این موضوع نه تنها در شرایط اکثریت کشورهای در حال توسعه تایید شده است بلکه در اقتصاد های پسا شوروی و در جهان غرب نیز صدق می‌کند (ویلیامز، ۲۰۰۴).

مفسران نئولیبرال از این روایت حمایت زیادی کرده‌اند. آن‌ها غیررسمی‌سازی را نوعی واکنش پوپولیستی نسبت به مالیات‌های بالا، یک نظام دولتی فاسد و دخالت بیش از اندازه در بازار آزاد می‌دانند که حاصل آن این است که کارگران برای خروج داوطلبانه از اقتصاد رسمی دست به انتخاب عقلانی می‌زنند و بدین شکل از هزینه‌ها، زمان و تلاش برای ثبت رسمی اجتناب می‌شود (دی سوتو^{۱۹}، ۱۹۸۹). همان طور که نوابوزور تاکید می‌کند غیررسمی بودن واکنشی است به نظارت‌های طاقت‌فرسا و کوششی است برای جلوگیری از آن نظارت‌ها (نوابوزور^{۲۰}، ۲۰۰۵). یا همان طور که بکر می‌گوید ترتیبات کار غیررسمی واکنش منطقی کار آفرینان خرد نسبت به مقررات شدید بوروکراسی‌های دولتی است (بکر^{۲۱}، ۲۰۰۴). دسوتو نیز معضل واقعی را بیشتر در بخش رسمی می‌داند می‌داند تا بخش غیررسمی (دی سوتو، ۱۹۸۹). در نتیجه از این نظر راه چاره کاهش نظارت‌های طاقت‌فرسای است که هزینه‌های نیروی کار را به اجبار افزایش می‌دهد و مانع از انعطاف‌پذیری می‌شود و محدودیت‌های رفاهی را که در حکم یک عامل دلسرد کننده برای افراد جویای مشاغل رسمی عمل می‌کند کنار می‌گذارد (ویلیامز، ۲۰۱۴).

در مجموع می‌توان گفت دیدگاهی که رفتار فعال اقتصادی را عقلانی در نظر می‌گیرد مشارکت شاغلین غیررسمی را در اشتغال غیررسمی بر مبنای هزینه - فایده ارزیابی می‌کند بنابراین مطابق این دیدگاه کارگران زمانی در اشتغال غیررسمی شرکت می‌کنند که فایده آن از هزینه‌هایش بیشتر باشد. در نتیجه عواملی مانند مقررات طاقت‌فرسا، مالیات‌های بالا و فساد در میان مقامات بخش عمومی هزینه‌های کار رسمی را افزایش می‌دهد و افراد را به خروج داوطلبانه از اقتصاد رسمی و کار در اقتصاد غیررسمی سوق می‌دهد (نوابوزور، ۲۰۰۵).

نظریه پست‌مدرن (داوطلب‌گرایی)

دیدگاه پست‌مدرن از آغاز هزاره به ویژه در ارتباط با اقتصادهای توسعه‌یافته پدیدار شده است. این مجموعه فکری کوچک با الهام گرفتن از مجموعه گسترده‌تری از ادبیات انتقادی، هترو دوکس، پسا توسعه و پسا ساختارگرایی توصیف کم مایه مرسوم مبادله پولی را که به مثابه بازار جهان‌شمول و با انگیزه سود است به چالش طلبیده است. در کنار کار غیررسمی که تحت روابطی مانند بازار و با انگیزه کسب سود انجام می‌شود، این موضوع وجود کار غیررسمی بر اساس حساب شخصی برای و به وسیله خویشاوندان، همسایگان، دوستان و آشنایان به دلایلی غیر از سود مالی از جمله دلایلی مانند توزیع مجدد، روابط همبستگی اجتماعی و خانوادگی در کشورهای توسعه یافته را در نظر می‌گیرد (موریس^{۲۲}، ۲۰۱۱). در واقع یک مطالعه جدید آشکار می‌کند که ۵۵ درصد

¹⁹ De Soto

²⁰ Nwabuzor

²¹ Becker

²² Morris

اشتغال غیررسمی در اروپا به وسیله خویشاوندان که خارج از خانواده زندگی می‌کنند، دوستان، همسایگان و آشنایان به خاطر باز توزیع و روابط اجتماعی انجام می‌شود. بنابراین از این چشم‌انداز، اشتغال غیررسمی بار دیگر به طور داوطلبانه انتخاب می‌شود ولی به جای آن که مانند مدل نئولیبرال یک تصمیم اقتصادی عقلانی باشد در این دیدگاه بیشتر یک تلاش اجتماعی مبتنی بر همبستگی است (ویلیامز، ۲۰۱۴).

چشم‌انداز پست‌مدرن در تبیین علل وجود اشتغال غیررسمی، مینا را عدم تقارن بین نهادهای رسمی و غیررسمی می‌داند. به عبارتی دیگر زمانی که بین نهادهای رسمی و غیررسمی تقارن وجود دارد اشتغال غیررسمی فقط به صورت ناخواسته رخ می‌دهد مثلاً به دلیل فقدان شناخت قوانین و مقررات، ولی زمانی که عدم تقارن نهادی وجود دارد نتیجه اشتغال غیررسمی است. در واقع این نظریه بین کار غیررسمی و عدم تقارن ارتباط مستقیمی قائل است یعنی هر چقدر عدم تقارن بالاتر باشد سطح اشتغال غیررسمی بیشتر است (ویلیامز و شهید^{۲۳}، ۲۰۱۶).

با توجه به این که وجه غالب شاغلین غیررسمی داشتن درآمد اندک است و این سطح پایین درآمد، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر انتخاب‌های مصرف‌کننده و الگوی مصرف وی داشته باشد و همچنین با توجه به این که طبق آمارها ۱۸ تا ۳۸ میلیون نفر از جمعیت ایران حاشیه‌نشین هستند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۴۰۲)، در مطالعه حاضر تحت رویکرد کلی حاشیه‌نشینی که از دل دو نظریه مسلط درباره اشتغال غیررسمی یعنی نظریه مدرنیزاسیون و نظریه اقتصاد سیاسی پدیدار می‌شود و مشاغل غیررسمی را در جمعیت‌های حاشیه‌نشین متمرکز می‌داند به تحلیل الگوی مصرف شاغلین غیر رسمی پرداخته خواهد شد.

۳- پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی

بورکی^{۲۴} (۱۹۹۷)، در مطالعه‌ای در پاکستان با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه و با استفاده از دو اصل تعمیم یافته ترجیح آشکار و برآوردگر تفاضل اول، ترجیحات مصرف‌کنندگان برای هشت کالای غذایی (گوشت گاو، گوشت گوسفند، مرغ، ماهی، برنج، نخود، ماش و شیر) را از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۱ تخمین زد. نتایج حاصل نشان داد که در پاکستان مرغ یک کالای ضروری است، در حالی که نخود یک کالای پست است. همچنین مجموعه داده‌ها، تقارن و همگنی را نشان داده و برآورد کشش‌های قیمت و درآمد نیز با تئوری اقتصادی مطابقت دارد.

سیرواتیکا^{۲۵} (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای به تجزیه و تحلیل اعتبار قانون انگل در مخارج غذای خانوارهای چک در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ پرداخت. او بدین منظور از اطلاعات پایگاه داده اداره آمار چک استفاده کرد. بعد از ارزیابی روایی قانون انگل بر اساس مدل تقاضای رگرسیون، نتایج حاصل نشان داد که در جمهوری چک، افزایش درآمد متوسط واقعی خانوار منجر به کاهش سهم مخارج واقعی غذا می‌شود.

²³ Williams and Shahid

²⁴ Burki

²⁵ Syrovatika

مجالی و حبشنه^{۲۶} (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای به برآورد منحنی‌های انگل برای هزینه‌های خانوار با استفاده از داده‌های مربوط به هزینه‌های خانوار و نظرسنجی درآمد برای سال ۲۰۱۰ در اردن پرداختند. به منظور دستیابی به هدف فوق، شش مدل عملکردی (مدل خطی، مدل لگاریتمی، مدل نیمه لگ، مدل ورکینگ-لسر و سایر اشکال عملکردی) تدوین و برآورد و ۹ گروه کالایی (غذا و نوشیدنی، دخانیات و الکل، مسکن، پوشاک، کارکردهای مربوط به خانواده مانند آب و برق، حمل و نقل، مراقبت‌های شخصی، مراقبت‌های پزشکی و متفرقه) نیز در نظر گرفته شدند که ۱۳۸۶۶ خانوار از مناطق شهری و روستایی را پوشش می‌داد. نتایج حاصل از برآوردها نشان داد که در اردن، اندازه خانواده تقریباً هیچ تأثیری بر تقاضای مسکن، حمل و نقل و سلامت در طول سال ۲۰۱۰ نداشته است. همچنین الگوی مصرف پوشاک، مسکن، مراقبت شخصی و گروه کالاهای متفرقه نیز در مناطق شهری و روستایی یکسان نیست.

مالیک و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های جدیدترین نظرسنجی اقتصادی یکپارچه خانوار و از طریق سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل خطی (LA-AIDS) به بررسی میزان تأثیر تغییرات قیمت‌ها بر رفتار مصرف‌کننده در سطح تفکیک‌شده و برجسته کردن پیامدهای سیاسی بر فقر، امنیت غذایی و تغذیه در خانوارهای فقیر و غیر فقیر در مناطق شهری و روستایی پاکستان پرداختند. برای این منظور ده گروه غذایی را مد نظر قرار دادند: گندم و آرد گندم، برنج و سایر غلات، میوه‌ها و سبزیجات، شیر و فرآورده‌های شیر از جمله روغن و کره، گوشت (گوشت گاو، گوسفند، ماهی و مرغ)، روغن خوراکی، شکر و سایر شیرین‌کننده‌ها و سایر مواد غذایی (چای، چاشنی‌ها و ادویه جات، ترشی جات و غیره). نتایج حاصل نشان داد که در اقتصاد پاکستان خانواده‌هایی که درآمدشان زیر خط فقر است، درصد بیشتری از درآمد خود را در مقایسه با خانواده‌های غیر فقیر صرف خرید گندم کرده و از این رو گندم را به کالای گیفن تبدیل می‌کنند. همچنین برآوردها نشان داد که کالری دریافتی فقرای شهری کمتر از فقرای روستایی است. علیرغم الگوهای مصرف متفاوت در مناطق روستایی و شهری و برای خانوارهای فقیر و غیرفقیر، تقاضا برای لبنیات، گندم و روغن پخت و پز برای فقرا و غیر فقرا در مناطق روستایی و شهری مشابه است.

هی و لی^{۲۸} (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه کارگران شاغل در بخش غیررسمی بر الگوهای مصرف خانوار تأثیر می‌گذارند و این که چگونه چنین الگوهایی در توزیع‌های درآمد مختلف متفاوت است. آن‌ها بدین منظور از مجموعه داده‌های نظرسنجی مالی خانوار چین استفاده کردند. نتایج حاصل از روش رگرسیون نشان داد که خانواده‌هایی که همسران آن‌ها شاغل غیررسمی هستند، تمایل دارند هزینه‌های خود را برای کالاهای صرفه‌جویی در زمان و کالاهای وقت‌گیر کاهش دهند. در حالی که اگر شوهران شاغل غیررسمی باشند، افزایش قابل توجهی وجود دارد. برای نیازهای ضروری، خانواده‌هایی که همسرانی شاغل در بخش رسمی دارند از مزایای جانبی بسیار بهتری برخوردار می‌شوند.

پروکینووا و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۷)، از مجموعه داده‌های اداره آمار اسلواکی و با استفاده از مدل انگل برای تجزیه و تحلیل کشش درآمدی تقاضا در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ در روسیه استفاده کردند و به این نتیجه رسید که اقلام غذایی یعنی میوه‌ها، سبزیجات، قهوه، چای، الکل و نوشیدنی‌ها برای خانواده‌هایی که سرپرست خانوارشان به صورت تمام‌وقت مشغول به کار هستند

²⁶ Majali & Habashneh

²⁷ Malik et al

²⁸ He & Li

²⁹ Prokeinova et al

محصولات لوکس محسوب می‌شد. حتی در خانوارهایی که سرپرستان خانواده شغل آزاد داشتند، سبزیجات، قهوه و چای و مشروبات الکلی به عنوان اقلام لوکس تلقی می‌شدند. با این حال، برای خانوارهایی که هیچ فرزندی ندارند، گوشت، چربی و روغن در رده کالاهای پست قرار می‌گیرند.

نیاگو و تئودورو^{۳۰} (۲۰۱۷)، با استفاده از داده‌های یورواستات به آزمایش اعتبار قانون انگل و تفسیر پویایی درآمد و مخارج مصرف خانوارها و ساختار آن پرداختند و بدین منظور از تحلیل رگرسیون استفاده کردند. نتایج حاصل از برآوردها نشان داد که در رومانی، کسب درآمدی تقاضا برای خوراک و خدمات برای دوره ۱۹۹۷-۲۰۱۶ بیشتر از واحد بوده است، در حالی که برای مصارف غیرخوراکی، برابر با واحد است. همچنین نتایج نشان داد که قانون انگل در اقتصاد رومانی، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶، با تحولات و تأثیرات خاص اعمال می‌شود.

ارگون^{۳۱} (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای با استفاده از نتایج یک نظرسنجی آنلاین برای چندین کشور اروپایی از جمله رومانی، اسپانیا و ترکیه عوامل موثر بر تقاضا را در چارچوب خرید کالاهای لوکس با استفاده از رگرسیون لجستیک بررسی کرد. نتایج حاصل نشان داد افرادی که وضعیت خود را از نظر مالی در آینده نامن پیش بینی می‌کنند، در مقایسه با افرادی که وضعیت خود را از نظر مالی امن می‌دانند، تمایل بیشتری به خرید کالاهای لوکس دارند. علاوه بر این، همچنین مشخص شد که احتمال هزینه کردن برای کالاهای اساسی در بین کشورهای کم درآمد بیشتر است.

کندو و روی^{۳۲} (۲۰۲۲)، با استفاده از داده‌های نظرسنجی نمونه ملی در مورد اشتغال و بیکاری هند برای سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و از طریق مدل ورکینگ-لسر به شناسایی کالاهای ضروری و لوکس در بین کارگران غیررسمی هندی پرداختند. آن‌ها بدین منظور کارگران غیررسمی را به سه دسته تقسیم کردند: کارگران خوداشتغال، کارمندان در بخش غیررسمی و کارمندان غیررسمی در بخش رسمی. نتایج حاصل از برآوردها نشان داد که مواد غذایی، اقلام اعتیادآور (به عنوان مثال، محصولات الکل و تنباکو)، اقلام سرگرمی، سوخت، چراغ‌ها و سایر اقلام غیرخوراکی ضروری هستند. در حالی که بهداشت، آموزش، جواهرات و حمل و نقل شخصی برای همه انواع کارگران غیررسمی در هند اقلام لوکس می‌باشد. بنابراین قانون انگل در میان کارگران غیررسمی معتبر است.

مطالعات داخلی

مطالعات بسیار کمی در خصوص برآورد منحنی انگل در ایران صورت گرفته است که هیچ یک مربوط به شاغلین رسمی و غیر رسمی نمی‌شود. به صورت خلاصه به مطالعات زیر که مربوط به کالاهای خوراکی، پول و فناوری اطلاعات و ارتباطات است، اشاره می‌شود:

منجذب (۱۳۸۰)، در مطالعه‌ای منحنی انگل برخی کالاهای خوراکی را در مناطق شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۷۸ برآورد کرد. وی بدین منظور از دو مدل خطی و خطی لگاریتمی و همچنین داده‌های خرد استفاده کرد. او به دلیل استفاده از

³⁰ Neagu & Teodoru

³¹ Ergün

³² Roy & Kundu

داده‌های مقطعی در یک سال مشخص، قیمت را در مدل انگل خود حذف و مصرف هر کالا را روی درآمد و بعد خانوار رگرس کرد. نتایج تحقیق نشان داد که نان، قند و شکر برای خانوارهای شهری و روستایی، کالایی ضروری، نوشابه برای خانوارهای شهری کالایی لوکس و گوشت برای خانوارهای روستایی، نرمال تلقی می‌شود.

طیب نیا و فرنام (۱۳۹۴)، منحنی تقاضا و انگل را برای پول طی سال های ۱۳۷۴-۱۳۸۹ در ایران تخمین زدند. آن‌ها بدین منظور از فرم تبعی EASI و همچنین داده‌های سری زمانی ماهانه استفاده کردند. نتایج آن‌ها از کشش‌های درآمدی نشان می‌دهد، مردم در درآمدهای بالا به دنبال سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و عدم نگهداری پول به صورت اسکناس و مسکوک و همچنین سپرده‌های مدت‌دار هستند. به ترتیب سپرده‌های دیداری، سپرده‌های مدت‌دار و اسکناس و مسکوک کم کشش‌ترین سبد دارایی پولی هستند. از این رو نتایج بررسی منحنی انگل حاکی از آن است که افراد با افزایش درآمد، پول خود را از سپرده‌های دیداری خارج می‌کنند و سرمایه‌گذاری در سپرده‌های مدت‌دار افزایش می‌یابد.

سالم (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای به منظور برآورد منحنی انگل و کشش درآمدی فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش خانگی مناطق شهری ایران از فرم تبعی سیستم معادلات ورکینگ لسر با لحاظ مشخصات اقتصادی و اجتماعی استفاده کرد. این مدل با استفاده از داده‌های مقطعی و روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتبط و به کارگیری اطلاعات نزدیک به ۱۹ هزار خانوار شهری در کشور در سال ۱۳۹۴ تخمین زده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کشش درآمدی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای خانوارهای اقلار کم درآمد، درآمد متوسط و پر درآمد به ترتیب برابر ۱/۲۲، ۱/۱۲ و ۰/۸ است. این برآوردها نشان می‌دهد، کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات برای گروه‌های با درآمد کم و متوسط که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، کالایی لوکس به شمار می‌آید. این درحالی است که این گروه کالایی برای اقلار ثروتمند، ضروری برآورد شده است.

با توجه به این که برآورد منحنی انگل شاغلین غیررسمی و رسمی در ایران تاکنون در هیچ مطالعه‌ای صورت نگرفته و در سطح جهان نیز پژوهش‌های بسیارندکی در این زمینه انجام شده، مطالعه حاضر برای نخستین بار در ایران به این موضوع می‌پردازد.

۴- روش پژوهش

در این مطالعه، هدف شناسایی کالاهای ضروری و کالاهای لوکس در بین شاغلین غیررسمی و رسمی در ایران است. برای این منظور از منحنی انگل استفاده می‌شود زیرا این منحنی که تغییر در مخارج خانوار برای یک کالا یا خدمات خاص را در نتیجه تغییر در درآمد خانوار نشان می‌دهد همچنین به تشخیص اینکه آیا یک کالای خاص یک ضرورت است یا یک تجمل کمک می‌کند (روی و کندو^{۳۳}، ۲۰۲۲).

یکی از رایج‌ترین شکل‌های منحنی انگل که مطابق با خاصیت جمع‌پذیری تقاضا بوده، فرم تبعی پیشنهادی ورکینگ-لسر است. این مدل در مطالعات بسیاری از جمله توماس^{۳۴} (۱۹۸۷)، بلاندل^{۳۵} و همکاران (۱۹۹۳)، فان^{۳۶} و همکاران (۱۹۹۵)، گائو^{۳۷} و همکاران

³³ Roy and Kundu

³⁴ Thomas

³⁵ Blundell

³⁶ Fan

³⁷ Gao

(۱۹۹۶)، تیفین^{۳۸} (۱۹۹۹)، دی^{۳۹} (۲۰۰۰)، کانگ و چرن^{۴۰} (۲۰۰۱)، هاسگاوا و کوزومی^{۴۱} (۲۰۰۱)، تی^{۴۲} (۲۰۰۷) (سالم، ۱۳۹۷)، مجالی و حبشنه (۲۰۱۴) و روی و کندو (۲۰۲۲) به کار رفته است.

مدل ورکینگ- لاسر توسط ورکینگ (۱۹۴۳) مورد بحث قرار گرفت و توسط لاسر (۱۹۶۳) بیشتر رایج شد. یکی از مهم‌ترین مزایای مدل مذکور این است که برای داده‌های مقطعی در طیف وسیعی از شرایط مناسب است. مدل ورکینگ- لاسر را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$W_{ji} = \alpha_j + \beta_j \ln Y_i + \mu_i \quad (1)$$

در اینجا، W_{ji} میانگین سهم بودجه سالانه از لامین کالای مصرفی هر خانوار و Y_i نیز میانگین کل مخارج سالانه خانوار را نشان می‌دهد.

کشش مخارج تقاضای لامین کالای شاغلین نیز در چارچوب شکل ورکینگ- لاسر به شرح زیر است:

$$e_{jk} = 1 + \frac{\widehat{\beta}_{jk}}{W_{jk}} \quad (2)$$

کشش مخارج تقاضا عبارت از نسبت درصد تغییرات در مقدار تقاضای محصول Z به دلیل تغییر ۱ درصد در میانگین هزینه سالانه مصرف کننده است. بر اساس این مدل، کالایی با β_j منفی یک کالای ضروری و با β_j مثبت یک کالای لوکس در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که سهم مخارج کالاهای ضروری با درآمد کاهش می‌یابد پس طبق رابطه ۱ می‌توان گفت افزایش کل هزینه ماهانه یک خانوار باعث می‌شود کشش یک کالای ضروری کاهش یابد و یک کالای لوکس به سمت واحد حرکت کند. بنابراین، طبق مدل ورکینگ- لاسر، با ثروتمندتر شدن مصرف کننده، سهم غذا از کل درآمد کاهش می‌یابد (Clements, 1985). در این مطالعه برای برآورد سیستم معادلات ورکینگ- لاسر از روش رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR) استفاده شده است.

در این مدل الگوی پژوهش و متغیرها به شرح زیر تعریف شده‌اند:

$$S_{kho} = c_{10} + c_{11} \text{Log}(Y) + c_{12} \text{Log}(\text{boad}) + c_{13} \text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{14} \text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{nosh} = c_{20} + c_{21} \text{Log}(Y) + c_{22} \text{Log}(\text{boad}) + c_{23} \text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{24} \text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{posh} = c_{30} + c_{31} \text{Log}(Y) + c_{32} \text{Log}(\text{boad}) + c_{33} \text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{34} \text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{mas} = c_{40} + c_{41} \text{Log}(Y) + c_{42} \text{Log}(\text{boad}) + c_{43} \text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{44} \text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{lava} = c_{50} + c_{51} \text{Log}(Y) + c_{52} \text{Log}(\text{boad}) + c_{53} \text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{54} \text{Log}(\text{sal})$$

³⁸ Tiffin

³⁹ Dey

⁴⁰ Kang and Chern

⁴¹ Hasegawa and Kozumi

⁴² Tey

$$S_{beh} = c_{60} + c_{61}\text{Log}(Y) + c_{62}\text{Log}(\text{boad}) + c_{63}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{64}\text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{haml} = c_{70} + c_{71}\text{Log}(Y) + c_{72}\text{Log}(\text{boad}) + c_{73}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{74}\text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{ert} = c_{80} + c_{81}\text{Log}(Y) + c_{82}\text{Log}(\text{boad}) + c_{83}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{84}\text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{farh} = c_{90} + c_{91}\text{Log}(Y) + c_{92}\text{Log}(\text{boad}) + c_{93}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{94}\text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{tah} = c_{100} + c_{101}\text{Log}(Y) + c_{102}\text{Log}(\text{boad}) + c_{103}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{104}\text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{hotl} = c_{110} + c_{111}\text{Log}(Y) + c_{112}\text{Log}(\text{boad}) + c_{113}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{114}\text{Log}(\text{sal})$$

$$S_{maz} = c_{120} + c_{121}\text{Log}(Y) + c_{122}\text{Log}(\text{boad}) + c_{123}\text{Log}(\text{saltahsil}) + c_{124}\text{Log}(\text{sal})$$

جدول ۱: متغیر های پژوهش

متغیر	تعریف
مخارج خانوار (Y)	متغیری پیوسته است و برای اندازه‌گیری آن از شاخص هزینه ناخالص خانوار استفاده می‌شود.
خوراک (S_{kho})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج خوراک از کل مخارج را نشان می‌دهد.
نوشیدنی ها و دخانیات (S_{nosh})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات از کل مخارج را نشان می‌دهد.
پوشاک (S_{posh})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج پوشاک از کل مخارج را نشان می‌دهد.
مسکن (S_{mas})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج مسکن از کل مخارج را نشان می‌دهد.
لوازم خانگی (S_{lava})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج لوازم خانگی از کل مخارج را نشان می‌دهد.
بهداشت و درمان (S_{beh})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج بهداشت و درمان از کل مخارج را نشان می‌دهد.
حمل و نقل (S_{haml})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج حمل و نقل از کل مخارج را نشان می‌دهد.
ارتباطات (S_{ert})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج ارتباطات از کل مخارج را نشان می‌دهد.
فرهنگی و تفریحی (S_{farh})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج فرهنگی و تفریحی از کل مخارج را نشان می‌دهد.
تحصیلی (S_{tah})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج تحصیلی از کل مخارج را نشان می‌دهد.
هتل و رستوران (S_{hotl})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج هتل و رستوران از کل مخارج را نشان می‌دهد.
مذهبی، خسارت و دیه (S_{maz})	متغیری پیوسته است و سهم مخارج مذهبی، خسارت و دیه از کل مخارج را نشان می‌دهد.
بعد خانوار (boad)	متغیری پیوسته است و تعداد اعضای هر خانوار را نشان می‌دهد.
سن (sal)	متغیری پیوسته است و سن سرپرست خانوار را نشان می‌دهد.
آموزش (saltahsil)	متغیری پیوسته است و تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار را نشان می‌دهد.

منبع: یافته‌های پژوهش

۵- نتایج پژوهش

خانوارهای شهری

به منظور بررسی ماهیت مصرف در میان شاغلین غیررسمی و رسمی شهری در ایران، نسبت هزینه‌های صرف شده برای اقلام خوراکی و همچنین اقلام غیرخوراکی از کل هزینه‌های شاغلین غیررسمی و شاغلین رسمی در خانوارهای شهری محاسبه گردید. جدول ۲ حاوی اطلاعات مربوط به هزینه‌های اقلام خوراکی و غیر خوراکی به عنوان نسبتی از کل هزینه‌های شاغلین غیررسمی و رسمی در خانوارهای شهری است. این نشان می‌دهد که نسبت اقلام خوراکی به کل هزینه‌ها در میان شاغلین رسمی در مقایسه با شاغلین غیررسمی کمتر است. در حالی که عکس این موضوع در مورد اقلام غیر خوراکی نسبت به کل مخارج صادق است. از آنجایی که شاغلین غیررسمی در مقایسه با شاغلین رسمی بیشتر در معرض فقر می‌باشند (Papola, 2008)؛ (Sundaram, 2008)، هزینه‌های متناسب برای اقلام خوراکی نیز در میان شاغلین غیررسمی در مقایسه با شاغلین رسمی بیشتر است. از این رو، در این مقاله، اعتبار قانون انگل مورد تایید قرار گرفته است.

جدول ۲. سهم بودجه اقلام خوراکی و غیر خوراکی در میان شاغلین رسمی و غیررسمی شهری

نوع اقلام	شاغلان رسمی	شاغلان غیررسمی
نسبت اقلام خوراکی به کل هزینه‌ها	۰/۲۵	۰/۳۳
اقلام غیر خوراکی به کل هزینه‌ها	۰/۷۵	۰/۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره 3، نتایج حاصل از برآورد مدل در خصوص ماهیت مصرف اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی و همچنین کسش‌های درآمدی این اقلام را در میان شاغلین غیررسمی خانوارهای شهری نشان می‌دهد. نتایج حاصل مبین آن بوده که متغیر لگاریتم مخارج (گروه متوسط درآمدی) در تمام معادلات معناداری بالایی دارد.

جدول 3. ماهیت مصرف و کسش درآمدی اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی در میان شاغلین غیررسمی شهری در

ایران

متغیر وابسته : مخارج خانوار						
روش : رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR)						
نمونه: ۶۴۹۲ شاغل غیررسمی خانوارهای شهری ایران در سال ۱۴۰۱						
کالا	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال	میانگین سهم کالاها	کسش درآمدی
خوراک	-۰/۰۶۰۷	۰/۰۰۲۴	۲۵/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۱۱۲۰	۰/۴۶
نوشیدنی ها و دخیانیات	-۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۰۶	۵/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳۱	-۰/۲۵
پوشاک	۰/۰۱۸۰	۰/۰۰۱۰	۱۶/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱۰	۲/۶۴
مسکن	-۰/۰۲۴۴	۰/۰۰۳۳	۷/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۱۰۹۵	۰/۷۸
لوازم خانگی	۰/۰۰۸۳	۰/۰۰۰۹	۹/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱۴	۱/۷۳
بهداشت و درمان	۰/۰۱۸۲	۰/۰۰۱۵	۱۱/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴۹	۲/۲۲
حمل و نقل	۰/۰۴۰۱	۰/۰۰۱۷	۲۳/۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰۶	۲/۹۵

ارتباطات	-۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۰۳	۸/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶۱	۰/۵۴
فرهنگی و تفریحی	۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۴	۵/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲۵	۱/۹۹
تحصیلی	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۲	۴/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۳	۱/۷۷
هتل و رستوران	۰/۰۰۵۸	۰/۰۰۰۵	۹/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲۹	۳/۰۲
مذهبی، خسارت و ديه	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۰۹	۳/۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳۴	۲/۰۴
سایر مخارج	-۰/۰۰۸۸	۰/۰۰۰۷	۱۱/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹۱	۰/۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش

بعد از بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل، در خصوص شاغلین غیررسمی خانوارهای شهری یافته‌های زیر حاصل می‌شود به این ترتیب که:

- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج خوراک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج خوراک به میزان ۰/۰۶۰۷ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی خوراک برابر ۰/۴۶ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای خوراک حدود ۰/۴۶ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای خوراک ضروری می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات به میزان ۰/۰۰۳۸ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی نوشیدنی‌ها و دخانیات برابر ۰/۲۵ - بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای نوشیدنی‌ها و دخانیات حدود ۰/۲۵ درصد کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای نوشیدنی‌ها و دخانیات، یک کالای پست می‌باشد یعنی با افزایش درآمد مقدار تقاضا برای آن کاهش می‌یابد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج پوشاک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج پوشاک به میزان ۰/۰۱۸۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی پوشاک برابر ۲/۶۴ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای پوشاک حدود ۲/۶۴ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای پوشاک لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج مسکن خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مسکن به میزان ۰/۰۲۴۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی مسکن برابر ۰/۷۸ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای مسکن حدود ۰/۷۸ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای مسکن ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج لوازم خانگی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج لوازم خانگی به میزان ۰/۰۰۸۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی لوازم خانگی برابر ۱/۷۳ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای لوازم خانگی حدود ۱/۷۳ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای لوازم خانگی لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج بهداشت و درمان خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج بهداشت و درمان به میزان ۰/۰۱۸۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی بهداشت و درمان برابر ۲/۲۲ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای بهداشت و درمان حدود ۲/۲۲ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای بهداشت و درمان لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) نیز نشان دهنده لوکس بودن کالای بهداشت و درمان است.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج حمل و نقل خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج حمل و نقل به میزان ۰/۰۴۰۱ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی حمل و نقل برابر ۲/۹۵ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای حمل و نقل حدود ۲/۹۵ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای حمل و نقل لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج ارتباطات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج ارتباطات به میزان ۰/۰۰۲۸ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی ارتباطات برابر ۰/۵۴ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای ارتباطات حدود ۰/۵۴ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای ارتباطات ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج فرهنگی و تفریحی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج فرهنگی و تفریحی به میزان ۰/۰۰۲۵ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی اقلام فرهنگی و تفریحی برابر ۲/۰۴ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای فرهنگی و تفریحی حدود ۲/۰۴ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای فرهنگی و تفریحی لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) نیز نشان‌دهنده لوکس بودن کالای فرهنگی و تفریحی می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج تحصیلی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج تحصیلی به میزان ۰/۰۰۱۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی تحصیلی برابر ۱/۷۷ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد مصرف کالای تحصیلی حدود ۱/۷۷ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای تحصیلی لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج هتل و رستوران خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج هتل و رستوران به میزان ۰/۰۰۵۸ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی هتل و رستوران برابر ۳/۰۲ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای هتل و رستوران حدود ۳/۰۲ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای هتل و رستوران لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج مذهبی، خسارت و دیه خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مذهبی، خسارت و دیه به میزان ۰/۰۰۳۵ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی اقلام مذهبی، خسارت و دیه برابر ۲/۰۴ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف کالای مذهبی، خسارت و دیه حدود ۲/۰۴ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای مذهبی، خسارت و دیه لوکس می‌باشد.

▪ درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر سایر مخارج خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، سایر مخارج به میزان ۰/۰۰۸۸ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی سایر مخارج برابر ۰/۵۴ بوده و بدین معناست که با افزایش یک درصدی درآمد، مصرف سایر مخارج حدود ۰/۵۴ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر کالای سایر مخارج ضروری می‌باشد.

▪ جدول شماره ۴، نتایج حاصل از برآورد مدل در خصوص ماهیت مصرف اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی و همچنین کسش‌های درآمدی این اقلام را در میان شاغلین رسمی خانوارهای شهری نشان می‌دهد. نتایج حاصل مبین آن بوده که متغیر لگاریتم مخارج (گروه متوسط درآمدی) در تمام معادلات معناداری بالایی دارد.

جدول ۴. ماهیت مصرف و کسش درآمدی اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی در میان شاغلین رسمی شهری در

ایران

متغیر وابسته : مخارج خانوار						
روش : رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR)						
نمونه: ۷۲۳۸ شاغل رسمی خانوارهای شهری ایران در سال ۱۴۰۱						
کالا	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال	میانگین سهم کالاهای	کسش درآمدی
خوراک	-۰/۱۶۲۴	۰/۰۰۵۳	-۳۰/۲۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۷۳	۰/۴۱
نوشیدنی ها و دخانیات	-۰/۰۰۳۲	۰/۰۰۰۸	-۳/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴۴	۰/۲۷
پوشاک	۰/۰۷۴۴	۰/۰۰۳۱	۲۳/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹۳	۲/۸۹
مسکن	-۰/۰۴۸۴	۰/۰۰۶۷	-۷/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶۰	۰/۸۲
لوازم خانگی	۰/۰۲۷۲	۰/۰۰۲۵	۱۰/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۱۷	۱/۸۶
بهداشت و درمان	۰/۰۶۳۳	۰/۰۰۴۰	۱۵/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۳۳	۲/۴۶
حمل و نقل	۰/۱۴۰۸	۰/۰۰۵۳	۲۶/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۰۷	۲/۹۹
ارتباطات	-۰/۰۰۸۴	۰/۰۰۰۸	-۹/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷۳	۰/۵۲
فرهنگی و تفریحی	۰/۰۱۱۱	۰/۰۰۱۰	۱۰/۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹۶	۲/۱۶
تحصیلی	۰/۰۰۷۰	۰/۰۰۰۹	۷/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷۶	۱/۹۲
هتل و رستوران	۰/۰۱۴۷	۰/۰۰۱۱	۱۲/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹۴	۲/۵۶
مذهبی، خسارت و دیه	۰/۰۱۴۴	۰/۰۰۱۳	۱۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸۷	۲/۶۵
سایر مخارج	-۰/۱۳۰۶	۰/۰۰۴۸	-۲۷/۱۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۴۸	۰/۳۹

منبع: یافته‌های پژوهش

بعد از بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل، در خصوص شاغلین رسمی خانوارهای شهری یافته‌های زیر حاصل می‌شود به این ترتیب که:

- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج خوراک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج خوراک به میزان ۰/۱۶۲۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی خوراک برابر ۰/۴۱ بوده و کالای خوراک ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات به میزان ۰/۰۰۳۲ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی نوشیدنی‌ها و دخانیات برابر ۰/۲۷ بوده و کالای نوشیدنی‌ها و دخانیات ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج پوشاک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج پوشاک به میزان ۰/۰۷۴۴ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی پوشاک برابر ۲/۸۹ بوده و کالای پوشاک لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج مسکن خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مسکن به میزان ۰/۰۴۸۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی مسکن برابر ۰/۸۲ بوده و کالای مسکن ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج لوازم خانگی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج لوازم خانگی به میزان ۰/۰۲۷۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی لوازم خانگی برابر ۱/۸۶ بوده و کالای لوازم خانگی لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج بهداشت و درمان خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج بهداشت و درمان به میزان ۰/۰۶۳۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی بهداشت و درمان برابر ۲/۴۶ بوده و کالای بهداشت و درمان لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج حمل و نقل خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج حمل و نقل به میزان ۰/۱۴۰۸ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی حمل و نقل برابر ۲/۹۹ بوده و کالای حمل و نقل لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج ارتباطات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج ارتباطات به میزان ۰/۰۰۸۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی ارتباطات برابر ۰/۵۲ بوده و کالای ارتباطات ضروری است.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج فرهنگی و تفریحی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج فرهنگی و تفریحی به میزان ۰/۰۱۱۱ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی فرهنگی و تفریحی برابر ۲/۱۶ بوده و کالای فرهنگی و تفریحی لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج تحصیلی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج تحصیلی به میزان ۰/۰۰۷۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی تحصیلی برابر ۱/۹۲ بوده و کالای تحصیلی لوکس می‌باشد.

- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج هتل و رستوران خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج هتل و رستوران به میزان ۰/۱۴۷ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی هتل و رستوران برابر ۲/۵۶ بوده و کالای هتل و رستوران لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج مذهبی، خسارت و دیه خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مذهبی، خسارت و دیه به میزان ۰/۱۴۴ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی مذهبی، خسارت و دیه برابر ۲/۶۵ بوده و کالای مذهبی، خسارت و دیه لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر سایر مخارج خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، سایر مخارج به میزان ۰/۱۳۰۶ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی سایر مخارج برابر ۰/۳۹ بوده و اقلام سایر مخارج، ضروری می‌باشد.

خانوارهای روستایی

جدول ۵ حاوی اطلاعات مربوط به هزینه‌های اقلام خوراکی و غیر خوراکی به عنوان نسبتی از کل هزینه‌های شاغلین غیررسمی و رسمی در خانوارهای روستایی است و نشان می‌دهد که نسبت اقلام خوراکی به کل هزینه‌ها در میان شاغلین رسمی در مقایسه با شاغلین غیررسمی کمتر می‌باشد. در حالی که عکس این موضوع در مورد اقلام غیر خوراکی نسبت به کل مخارج صادق است. با توجه به این که شاغلین غیررسمی در مقایسه با شاغلین رسمی بیشتر در معرض فقر می‌باشند، هزینه‌های متناسب برای اقلام خوراکی نیز در میان شاغلین غیررسمی در مقایسه با شاغلین رسمی بیشتر است که این خود، اعتبار قانون انگل را تایید می‌کند.

جدول ۵. سهم بودجه اقلام خوراکی و غیر خوراکی در میان شاغلین رسمی و غیررسمی روستایی

نوع اقلام	شاغلان رسمی	شاغلان غیررسمی
نسبت اقلام خوراکی به کل هزینه‌ها	۰/۳۱	۰/۴۳
اقلام غیر خوراکی به کل هزینه‌ها	۰/۶۹	۰/۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۶، نتایج حاصل از برآورد مدل در خصوص ماهیت مصرف اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی و همچنین کسش‌های درآمدی این اقلام را در میان شاغلین غیررسمی خانوارهای روستایی نشان می‌دهد. نتایج حاصل مبین آن بوده که متغیر لگاریتم مخارج (گروه متوسط درآمدی) در بیشتر معادلات معناداری بالایی دارد.

جدول ۶. ماهیت مصرف و کسش درآمدی اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی در میان شاغلین غیررسمی روستایی

در ایران

متغیر وابسته: مخارج خانوار
روش: رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR)
نمونه: ۹۴۲۵ شاغل غیررسمی خانوارهای روستایی ایران در سال ۱۴۰۱

کالا	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال	میانگین سهم کالاها	کشش درآمدی
خوراک	-۰/۱۵۸۴	۰/۰۰۶۱	-۲۵/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۴۸	۰/۸۴
نوشیدنی‌ها و دخانیات	-۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۱۶	-۲/۵۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱۳۳	۱/۰۰
پوشاک	۰/۰۸۷۳	۰/۰۰۳۰	۲۹/۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۲۷	۱/۰۹
مسکن	-۰/۱۳۲۹	۰/۰۰۴۹	-۲۷/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۱۹۶۰	۰/۸۷
لوازم خانگی	۰/۰۳۳۶	۰/۰۰۲۴	۱۳/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۴۳	۱/۰۳
بهداشت و درمان	۰/۰۶۱۰	۰/۰۰۳۹	۱۵/۶۲	۰/۰۰۰	۰/۰۵۵۲	۱/۰۶
حمل و نقل	۰/۱۱۴۸	۰/۰۰۳۹	۲۸/۹۳	۰/۰۰۰	۰/۰۷۳۹	۱/۱۱
ارتباطات	-۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۰۸	-۱۱/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹۸	۰/۹۹
فرهنگی و تفریحی	۰/۰۰۷۵	۰/۰۰۰۹	۸/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸۹	۱/۰۱
تحصیلی	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۵	۱/۴۸	۰/۱۳۹	۰/۰۰۳۰	۱/۰۰
هتل و رستوران	۰/۰۰۸۳	۰/۰۰۰۸	۱۰/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵۲	۱/۰۱
مذهبی، خسارت و دیه	۰/۰۰۵۶	۰/۰۰۰۹	۵/۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰۹	۱/۰۱
سایر مخارج	-۰/۰۱۴۰	۰/۰۰۲۲	-۶/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۶۲۱	۰/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

بعد از بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل، در خصوص شاغلین رسمی خانوارهای شهری یافته‌های زیر حاصل می‌شود به این ترتیب که:

- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج خوراک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج خوراک به میزان ۰/۱۵۸۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی خوراک برابر ۰/۸۴ بوده و کالای خوراک ضروری می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات به میزان ۰/۰۰۴۲ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی نوشیدنی‌ها و دخانیات برابر ۱/۰۰ بوده و کالای نوشیدنی‌ها و دخانیات ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج پوشاک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج پوشاک به میزان ۰/۰۸۷۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی پوشاک برابر ۱/۰۹ بوده و کالای پوشاک لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج مسکن خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مسکن به میزان ۰/۱۳۲۹ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشش درآمدی مسکن برابر ۰/۸۷ بوده و کالای مسکن ضروری می‌باشد.

- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج لوازم خانگی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج لوازم خانگی به میزان ۰/۰۳۳۶ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی لوازم خانگی برابر ۱/۰۳ بوده و کالای لوازم خانگی لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج بهداشت و درمان خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج بهداشت و درمان به میزان ۰/۰۶۱۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی بهداشت و درمان برابر ۱/۰۶ بوده و کالای بهداشت و درمان لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) نیز نشان دهنده لوکس بودن کالای بهداشت و درمان می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج حمل و نقل خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج حمل و نقل به میزان ۰/۱۱۴۸ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی حمل و نقل برابر ۱/۱۱ بوده و کالای حمل و نقل لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج ارتباطات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج ارتباطات به میزان ۰/۰۰۹۵ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی ارتباطات برابر ۰/۹۹ بوده و کالای ارتباطات ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج فرهنگی و تفریحی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج فرهنگی و تفریحی به میزان ۰/۰۱۳۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی فرهنگی و تفریحی برابر ۱/۰۱ بوده و کالای فرهنگی و تفریحی لوکس می‌باشد. نتیجه مطالعه کندو و روی (۲۰۲۲) نیز نشان دهنده لوکس بودن کالای فرهنگی و تفریحی می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج تحصیلی خانوار ندارد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج هتل و رستوران خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج هتل و رستوران به میزان ۰/۰۰۸۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی هتل و رستوران برابر ۱/۰۱ بوده و کالای هتل و رستوران لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج مذهبی، خسارت و دیه خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مذهبی، خسارت و دیه به میزان ۰/۰۰۵۶ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی اقلام مذهبی، خسارت و دیه برابر ۱/۰۱ بوده و کالای مذهبی، خسارت و دیه لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر سایر مخارج خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، سایر مخارج به میزان ۰/۰۱۴۰ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی سایر مخارج برابر ۰/۹۹ بوده و کالای سایر مخارج ضروری می‌باشد.
- جدول شماره ۷، نتایج حاصل از برآورد مدل در خصوص ماهیت مصرف اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی و همچنین کسش‌های درآمدی این اقلام را در میان شاغلین رسمی خانوارهای روستایی نشان می‌دهد. نتایج حاصل مبین آن بوده که متغیر لگاریتم مخارج (گروه متوسط درآمدی) در بیشتر معادلات معناداری بالایی دارد.

جدول ۷. ماهیت مصرف و کشتی درآمدی اقلام مختلف خوراکی و غیر خوراکی در میان شاغلین رسمی روستایی در

ایران

متغیر وابسته : مخارج خانوار						
روش : رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR)						
نمونه: ۳۷۴۵ شاغل رسمی خانوارهای روستایی ایران در سال ۱۴۰۱						
کالا	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال	میانگین سهم کالاها	کشتی درآمدی
خوراک	-۰/۲۰۳۹	۰/۰۰۸۹	-۲۲/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۳۲۸۴	۰/۴۰
نوشیدنی‌ها و دخانیات	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۱۴	-۱/۰۱	۰/۳۱۱	۰/۰۰۶۳	۰/۷۸
پوشاک	۰/۰۹۷۷	۰/۰۰۵۰	۱۹/۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۵۸	۳/۱۳
مسکن	-۰/۰۶۴۳	۰/۰۰۷۳	-۸/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۱۶۰۵	۰/۶۰
لوازم خانگی	۰/۰۴۴۳	۰/۰۰۴۱	۱۰/۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸۶	۲/۱۵
بهداشت و درمان	۰/۰۷۰۲	۰/۰۰۶۲	۱۱/۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۴۸۷	۲/۴۴
حمل و نقل	۰/۱۸۳۵	۰/۰۰۸۱	۲۲/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲۶	۳/۲۲
ارتباطات	-۰/۰۰۹۸	۰/۰۰۱۲	-۷/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۸۰	۰/۴۵
فرهنگی و تفریحی	۰/۰۱۳۲	۰/۰۰۱۷	۷/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰۳	۲/۲۹
تحصیلی	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۱۰	۳/۳۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴۹	۱/۷۲
هتل و رستوران	۰/۰۱۵۹	۰/۰۰۱۸	۸/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸۶	۲/۸۶
مذهبی، خسارت و دیه	۰/۰۰۷۸	۰/۰۰۱۶	۴/۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹۰	۱/۸۷
سایر مخارج	-۰/۱۵۶۹	۰/۰۰۷۴	-۲۱/۰۷	۰/۰۰۰	۰/۲۲۸۳	۰/۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

بعد از بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل، در خصوص شاغلین رسمی خانوارهای روستایی یافته‌های زیر حاصل می‌شود به این ترتیب که:

- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج خوراک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج خوراک به میزان ۰/۲۰۳۹ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کشتی درآمدی خوراک برابر ۰/۴۰ بوده و کالای خوراک ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر معناداری بر مخارج نوشیدنی‌ها و دخانیات خانوار ندارد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج پوشاک خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج پوشاک به میزان ۰/۰۹۷۷ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کشتی درآمدی پوشاک برابر ۳/۱۳ بوده و کالای پوشاک لوکس می‌باشد.

- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج مسکن خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مسکن به میزان ۰/۰۶۴۳ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی مسکن برابر ۰/۶۰ بوده و کالای مسکن ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج لوازم خانگی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج لوازم خانگی به میزان ۰/۰۴۴۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی لوازم خانگی برابر ۲/۱۵ بوده و کالای لوازم خانگی لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج بهداشت و درمان خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج بهداشت و درمان به میزان ۰/۰۷۰۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی بهداشت و درمان برابر ۲/۴۴ بوده و کالای بهداشت و درمان لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج حمل و نقل خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج حمل و نقل به میزان ۰/۱۸۳۵ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی حمل و نقل برابر ۳/۲۲ بوده و کالای حمل و نقل لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر مخارج ارتباطات خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج ارتباطات به میزان ۰/۰۰۹۸ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی ارتباطات برابر ۰/۴۵ بوده و کالای ارتباطات ضروری می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج فرهنگی و تفریحی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج فرهنگی و تفریحی به میزان ۰/۰۱۳۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی فرهنگی و تفریحی برابر ۲/۲۹ بوده و کالای فرهنگی و تفریحی لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج تحصیلی خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج تحصیلی به میزان ۰/۰۰۳۵ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی تحصیلی برابر ۱/۷۲ بوده و کالای تحصیلی لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج هتل و رستوران خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج هتل و رستوران به میزان ۰/۰۱۵۹ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی هتل و رستوران برابر ۲/۸۶ بوده و کالای هتل و رستوران لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر مثبت و معناداری بر مخارج مذهبی، خسارت و دیه خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، مخارج مذهبی، خسارت و دیه به میزان ۰/۰۰۷۸ درصد افزایش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی مذهبی، خسارت و دیه برابر ۱/۸۷ بوده و کالای مذهبی، خسارت و دیه لوکس می‌باشد.
- درآمد خانوار تاثیر منفی و معناداری بر سایر مخارج خانوار دارد به طوری که با افزایش یک درصدی در درآمد خانوار، سایر مخارج به میزان ۰/۱۵۶۹ درصد کاهش می‌یابد. همچنین کسش درآمدی سایر مخارج برابر ۰/۳۱ بوده و کالای سایر مخارج ضروری می‌باشد.

وضعیت اشتغال عامل مهمی است که در تصمیم‌گیری مصرف‌افراد نقش دارد. در این میان بررسی‌ها از یک سو حاکی از سطح قابل توجه اشتغال غیررسمی در بازار کار جهانی است که این خود نشان‌دهنده حوزه اصلی تولید و مصرف در سطح جهان می‌باشد و از سوی دیگر حاکی از آن است که شاغلین غیررسمی و اعضای خانوار آن‌ها در مقایسه با شاغلین رسمی اغلب با خطرات بیشتری روبرو هستند. این خطرات شامل حمایت ضعیف‌تر توسط قوانین کار، عدم وجود یا ناکافی بودن حمایت اجتماعی، مواجه شدن با تهدیدهای بیشتر برای از دست دادن شغل و کسب درآمد کمتر است. خطرات موجود و درآمد ضعیف‌تر اکثر شاغلین غیررسمی، تاثیر سوئی بر الگوی مصرف و سطح رفاه خانوارها دارد که این خود نشان‌دهنده اهمیت بررسی ماهیت مصرف در میان شاغلین غیررسمی و تعیین سهم بودجه در بین آن‌ها است.

در نتیجه با توجه به این که درک پویایی الگوهای مصرف خانوارها در رابطه با وضعیت اشتغال برای طراحی سیاست‌های مؤثری که از توسعه پایدار حمایت می‌کند و رفاه خانوارها را در کشور بهبود می‌بخشد حیاتی است، مقاله حاضر به بررسی تاثیر وضعیت اشتغال غیررسمی بر الگوی مصرف خانوارها و آزمایش اعتبار قانون انگل در میان شاغلین غیررسمی در ایران و مقایسه آن با شاغلین رسمی می‌پردازد. بدین منظور از فرم تبعی سیستم معادلات ورکینگ- لاسر استفاده و مدل با استفاده از داده‌های مقطعی و روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب و به کارگیری ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۴۰۱ تخمین زده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد که در گروه شاغلین غیررسمی شهری اقلام خوراک، مسکن، ارتباطات و سایر مخارج کالای ضروری، نوشیدنی‌ها و دخانیات کالای پست و اقلام پوشاک، لوازم خانگی، بهداشت و درمان، حمل و نقل، فرهنگی و تفریحی، تحصیلی، هتل و رستوران و اقلام مذهبی، خسارت و دیه کالای لوکس به شمار می‌آیند. در سایر گروه‌ها نیز اقلام خوراک، نوشیدنی‌ها و دخانیات، مسکن، ارتباطات و سایر مخارج کالای ضروری می‌باشند. در حالی که اقلام پوشاک، لوازم خانگی، بهداشت و درمان، حمل و نقل، فرهنگی و تفریحی، تحصیلی، هتل و رستوران و اقلام مذهبی، خسارت و دیه کالای لوکس به شمار می‌آیند. بنابراین قانون انگل در میان شاغلین غیررسمی و رسمی خانوارهای شهری و روستایی معتبر است.

از آن جایی که طبق قانون انگل سهم مصرف اقلام خوراکی نسبت به درآمد به صورت معکوس تغییر می‌کند و ضریب کشش آن کمتر از یک است که نشان می‌دهد با افزایش یک درصدی درآمد، افزایش مصرف اقلام خوراکی کمتر از یک درصد خواهد بود و همچنین در مورد مصرف خدمات، ضریب کشش بالاتر از یک است، به این معنی که افزایش یک درصدی درآمد منجر به افزایش بیش از یک درصدی در مصرف خدمات خواهد شد، بنابراین قانون انگل در میان شاغلین غیررسمی و رسمی خانوارهای شهری و روستایی ایران مورد تایید قرار گرفته است.

پیشنهادها

اقدامات سیاستی زیر در جهت بهبود الگوی مصرف شاغلین غیررسمی پیشنهاد می‌شود:

- یکی از انواع اقدامات مربوط در این زمینه، توسعه مهارت‌های شاغلین غیررسمی است که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا موانع موجود یعنی مهارت‌های کم که بهره‌وری پایین دارد را کنار بزنند و به سمت فعالیت‌های رسمی، بالنده و با درآمد بالاتر حرکت کرده و الگوی مصرف خود را بهبود بخشند.

- از آنجایی که درآمد حاصل از شغل عاملی مهم و تاثیر گذار بر الگو مصرف خانوارها است، دستمزد کمتر شاغلین غیررسمی، محدودیت‌های اجتماعی گسترده‌تری را برای این افراد ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که باید تلاش‌های مستمر برای ایجاد فرصت‌های شغلی رسمی‌تر و مشاغل مناسب و با درآمد بهتر در همه سطوح مهارتی و در همه بخش‌ها و مشاغل ایجاد شود.
- نکته بسیار حائز اهمیت در مطالعه حاضر این می‌باشد که یکسان بودن الگوی مصرف شاغلین غیر رسمی و شاغلین رسمی چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی گویای آن است که به علت غفلت از تولید فناورانه که با بهره‌وری فزاینده همراه است، دچار یک فقر سیستمی و همه‌گیر شده که با عقب ماندگی و ناپایداری‌های گوناگون همراه است. گزارش‌های موجود نیز این امر را تایید می‌کند به این ترتیب که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر هستند و ۴۰ درصد نیز در آستانه فرو افتادن زیر خط فقر می‌باشند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲) در واقع افراد برای دریافت مزد بیشتر در کوتاه مدت از بیمه صرفه نظر کرده و به علت ناپایدار بودن اشتغال غیر رسمی در میان مدت و بلند مدت فرد و جامعه دچار بحران می‌شود. این یافته را می‌توان به عنوان یک هشدار جدی مطرح کرد که تنها راه مقابله با آن بازگشت به سمت تولید فناورانه و نگرش‌های سطح توسعه است.

منابع

- Ahmad, A.N. (2008). Dead men working: time and space in London's ("illegal") migrant economy. *Work, Employment and Society*, 22(2), pp. 301-18, DOI: 10.1177/0950017008089106.
- Bajada, C., & Schneider, F. (2005). Introduction In: Size, causes and consequences of the underground economy: An international perspective. *Comparative Economic Studies*, 49(1), 161-163. <https://doi.org/10.1057/palgrave.ces.8100170>.
- Becker, K. F. (2004). The informal economy, Fact finding study, Stockholm. *Swedish International Development Agency*. www.sida.se/publications.
- Burki, A. (1997). Estimating consumer preferences for food, using time series data of Pakistan. *Pakistan Development Review*, 36(2), 131-153. <https://doi.org/10.30541/v36i2pp.131-153>.
- Castells, M., & Portes, A. (1989). The informal economy: Studies in advanced and less developed countries. *Baltimore, PA, John Hopkins University Press*, pp. 11-39, doi: 10.1126/science.247.4943.731.
- Clements, R. W. (1985). Alternative approach to consumption theory. *The University of Australia, Department of Economics, Working paper 12-85*. Retrieved from: <https://ecompapers.biz.uwa.edu.au/paper/PDF%20of%20Discussion%20Papers/1985/85-12.pdf> [Accessed 01/08/2022].
- Davis, M. (2006). Planet of slums. *published by Verso 2006*, pp. 1-120. ISBN: 1844670228, 9781844670222.

- De Soto, H. (1989). *The other path. The economic answer to terrorism. New York : Basic Books*, pp 1-273.
- Ergün, K. (2021). Determinants of demand for luxury goods: A comparative study among three European countries. *Yaşar University E-Journal*, 16(61), 128-146.
- Fernandez-Kelly, P. (2006). *Out of the shadows: Political action and the informal economy in Latin America. University Park, PA, Pennsylvania State University Press*, pp. 1–22.
- Fields, G. (2023). *The Job Ladder: Transforming informal work and livelihoods in developing countries. Oxford University Press*. pp 1-353.
- He, J., & Li, B. (2016). Informal sector employment and consumption patterns in China. *Journal of US China Public Administration*, 13(3), 156-165.
- Horodnic, I. A., Ciobanu, C. I., Zaiț, A., & Williams, C. C. (2022). Who Purchases From the Informal Economy and Why? *Frontiers in Psychology*, 13(June), 1–16. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.940076>.
- ILO (2018). Resolution concerning statistics on work relationships, ILO Twentieth International Conference of Labour Statisticians. *Department of Statistics, Geneva*. pp 1-142.
- ILO (2015). The transition from the informal to the formal economy Recommendation, 2015 (No. 204). Report V (2A). *International Labour Organization*. Pp 1-56.
- Islamic Council Research Center (2023). poverty situation and characteristics of the poor in the last decade (90s). expert reports monthly. [In Persian]
- Jütting, Johannes P., Laiglesia, Juan R. (2009). Is informal normal? Towards more and better jobs in developing countries. *Public Affairs Division, Public Affairs and Communications Directorate Paris, OECD*. Pp 1-8.
- Kaus, W. (2013). Beyond the Engel's law.A cross-country analysis. *The Journal of Socio-Economics*. Vol.47, pp.118-134.
- Lades, L. K. (2013). Explaining shapes of Engel curves: The impact of differential satiation dynamics on consumer behavior. *Journal of Evolutionary Economics*. 23(5), 1023–1045. <https://doi.org/10.1007/s00191-013-0324-6>.
- Latouche, S. (1993). *In the wake of the affluent society: An exploration of post-development. London, Zed books Ltd*. PP 1-256.
- Leal Ordóñez, J. C. (2014). Tax collection, the informal sector and productivity. *Review of Economic Dynamics, Elsevier for the Society for Economic Dynamics*. vol. 17(2), pp 262-286. doi: 10.1016/j.red.2013.07.004.

- Lewis, A. (1955). The theory of economic growth. in *Journal of International Business Studies*. Vol. 35, pp. 350–370. DOI:[10.4324/9780203709665](https://doi.org/10.4324/9780203709665).
- Majali, K. A., & Habashneh, F. A. (2014). Estimating the Engel Curves for household expenditures in Jordan from 2010-2011. *European Scientific Journal*, 10(2), pp 267-282.
- Malik, S. J., Nazli, H., & Whitney, E. (2015). Food consumption patterns and implication of poverty reduction in Pakistan. *The Pakistan Development Review*, 54(4), pp 651–669.
- Manzaf, M. (2008). choosing between linear and logarithmic models based on econometric methods (parasitic curve case study). *Economic Research Journal*, 2nd year, 2nd issue, pp. 121-134. [In Persian]
- Meagher, K. (2010). Identity Economics: social networks and the informal economy in Nigeria. *African issues*. James Currey (Firm), Suffolk, UK. pp 1-224.
- Morris, J. (2011). Socially embedded workers at the nexus of diverse work in Russia: an ethnography of blue-collar informalization. in *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol, 31, No. 11–12, pp. 619–631. <http://www.emeraldinsight.com/0144-333X.htm>.
- Neagu, M. I., & Teodoru, M. C. (2017). Testing the Engel's law in the consumption pattern of Romanian population. *Studia Universitatis Vasile Goldiș Arad, Economic Sciences Series*, 27(3), pp 33-53.
- Nwabuzor, A. M. (2005). Corruption and Development: New Initiatives in Economic Openness and Strengthened Rule of Law. *Journal of Business Ethics* 59: pp 121-138. [10.1007/S10551-005-3402-3](https://doi.org/10.1007/S10551-005-3402-3).
- OECD (2024). The double burden of informal employment and low-paying work, in *Breaking the Vicious Circles of Informal Employment and Low-Paying Work*. OECD Publishing, Paris. DOI: <https://doi.org/10.1787/82f1543c-en>.
- ILO (2019). Tackling Vulnerability in the Informal Economy. Development Centre Studies, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/939b7bcd-en>.
- Papola, T. S. (2008). Employment challenge and strategies in India An Assessment in the Framework of ILO's Global Employment Agenda. *International Labour Organization, Sub regional Office for South Asia*. pp 1-43.
- Packard, T. G.(2007). Do workers in Chile choose informal employment? A dynamic analysis of sector choice. *World Bank Policy Research Paper*.pp 1-57. doi: 10.1596/1813-9450-4232.
- Prokeinova, R. B., Dobes, K., Mura, L., & Buleca, J. (2017). Engel's approach as a tool for estimating consumer behaviour. *E+M Ekonomie a Management* · June 2017 pp 1-16. DOI: 10.15240/tul/001/2017-2-002

- Roy, R., & Kundu, A. (2022). Consumption Nature of Indian Informal Workers: Engel's Law Revisited. *Asian Development Policy Review*. 10(4), 307–316. <https://doi.org/10.55493/5008.v10i4.4662>.
- Salem, A. A. (2017). Estimation of parasitic function of information and communication technology in the household sector of urban areas of Iran. *Iran Economic Research Quarterly*. 23rd year, number 75, pp. 51-79. [In Persian]
- Sundaram, K. (2008). Employment, wages and poverty in the organised and the unorganised segments in the non-agricultural sector: All-India, 2000-2005. *Centre for Development Economics Department of Economics, Delhi School of Economics*. pp 1-44.
- Syrovatika, P. (2003). Food expenditures of Czech households and Engel's law. *Agricultural Economics*. 49(10), 487-495.
- Tayebnia, A. & Farnam, H. (2014). Modeling the money demand function and estimating its parasite curve in Iran using EASI demand systems. *Economic Modeling Research Quarterly*, Volume 5, Number Nineteen, pp. 113-148. [In Persian]
- Williams, C.C., & M. Shahid. (2016). Informal entrepreneurship and institutional theory: Explaining the varying degrees of (in)formalisation of entrepreneurs in Pakistan. *Entrepreneurship and Regional Development* 28, no. 1/2: 1–25. doi:10.1080/08985626.2014.963889.
- Williams, C. C. (2014). The Informal Economy and Poverty: Evidence and Policy Review. *Joseph Rowntree Foundation*. PP 1-52. <https://www.researchgate.net/publication/260453006>.
- Williams, C. C. (2014). Out of the shadows: a classification of economies by the size and character of their informal sector. *Work, Employment and Society*. 28, PP 735–753. doi: 10.1177/0950017013501951.
- Williams, C.C., and J. Round. (2010). Explaining participation in undeclared work: A result of exit or exclusion. *European Societies* 12, no. 3: 391–418. doi:10.1080/14616691003716910.
- Williams, C.C.(2004). Cash-in-hand work: The Underground Sector and the Hidden Economy of Favours. *Palgrave Macmillan UK*. pp 1-242. doi: [10.1057/9780230506190](https://doi.org/10.1057/9780230506190).